

نظریه های یادگیری

مقدمه :

یادگیری تغییر نسبتاً دایمی در رفتار است که در نتیجه تمرین حاصل شده است. تغییراتی در رفتار که حاصل اش (و نه تمرین) ، با شرایط موقت جاندار (مثل خستگی یا حالات ناشی از مصرف برخی داروها) باشند مشمول این تعریف نمی شود

نقش یادگیری در همه صحنه های زندگی نمایان است. یادگیری نه تنها در آموختن خاص مطالب درسی ، بلکه در رشد هیجانی ، تعامل اجتماعی و حتی رشد شخصیت نیز دخالت دارد. مثلاً یاد می گیریم از چه چیزی بترسیم، چه چیز را دوست بداریم. چگونه مودبانه رفتار کنیم و چگونه صمیمیت نشان دهیم .

نظریه های یادگیری

اصولاً هر فعالیتی یک مبنای نظری دارد که منتج از یک سری تحقیقات و تابع یک اصول و شناخت کلیت یافته‌ای است .

نظریه به معنای وسیع عبارتست از تعبیر و تفسیر حوزه ای از شناخت . در نتیجه براساس این تعریف، نظریه‌های یادگیری اصول کلیت یافته‌ای هستند در زمینه یادگیری و شرایط آن . یعنی نظریه‌های یادگیری در واقع تحلیل کننده شرایط یادگیری است .

بسیاری از معلمین و دانشجویان بین نظریه و فرضیه تفاوت قائل نیستند یا اشتباه می کنند وقتی می - گوئیم فرضیه یعنی یک راه حل احتمالی علمی مسأله در برابر یک مسأله‌ای که هنوز صحت و سقم آن تأیید و یا رد نشده است .

اما نظریه ها مجموعه ای از معرفت و دانش بشری هستند در حوزه‌ای از مطالعات که دقیقاً به اثبات رسید ، این نظریه یا مجموعه تحقیقات یک کلیات دارند که مجموعه آنها را شامل می شود . در واقع بر اساس آن کلیات است که شما می توانید یک فعالیت را تعریف و تفسیر کنید بنابراین به معنای تأ - یید نشده هستند ، اما به این معنی نیست که مطلق باشد ، همین است و دیگر عوض نمی شود ، خیر . پس نظریه قابل تغییر و تحول هست . در نظریه مجموعه عوامل در اختیار محقق نیست مخصوصاً در تحقیقات علوم انسانی و گیاهی ، گر چه اکثر نظریه‌هایمان در روانشناسی تربیتی و یادگیری بر اساس تحقیقاتی است که در آزمایشگاه صورت گرفته و دقیقاً همان مراحل کنترل که در بقیه تحقیقات وجود دارد در اینجا حاکم است ولی با این حال ما نظریه را بعنوان یک قانون و قطعیت نگاه نمی - کنیم ولی نتایج تأیید شده و پذیرفته شده بر اساس کار محققان است .

نظریه‌های مختلفی در زمینه یادگیری وجود دارد که ما آنها را در دو حوزه و قلمرو مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم .

حوزه رفتار گرایی یا نظریه‌های شرطی

حوزه نظریه‌های شناختی

دیدگاه این دو نظریه در مورد یادگیری و حتی در زمینه آموزش کاملاً با یکدیگر متفاوت هستند. حال این سؤال مطرح می‌گردد که اگر یادگیری یک مفهوم مشخص است ، پس چرا این همه نظریه‌های مختلف وجود دارد و نقد زیاد شده است ؟

دلیل آن اینست که محقق و روانشناس بر اساس دیدگاه خود و یا از منظری که به یادگیری نگاه می‌کند آنرا تعبیر و تفسیر می‌کند بنابراین نگاه او درست است و غلط نیست . او از یک زاویه نگاه می‌کند اما باید یادآور شد که نظریه نمی‌تواند بازگو کننده تمام مجموعه فرآیند یادگیری باشد .

اگر چه مقوله بحثمان در این حوزه و حیطه نیست و عزیزان باید به کتاب روانشناسی تربیتی و یادگیری مراجعه کنند . اما چون در جلسه قبل بحث ما تدریس و یادگیری بود لذا باید از نظریه یادگیری تا حدودی آشنا باشیم .

در نظریه رفتار گرایی افراد زیادی را دیدید که معروفترین آنها اسکینر و پاولف می‌باشند. اما آنچه در روانشناسی تربیتی بیشتر مطرح می‌باشد اسم اسکینر است که مترادف شده با رفتار گرایی رفتار گرایان اصولاً یادگیری را عبارت از ایجاد و تقویت رابطه و پیوند بین محرک و پاسخ در سیستم عصبی فرد می‌دانند . اینها معتقدند یک نوع رابطه و پیوند عصبی بین محرک و پاسخ است که در فرد تغییر ایجاد می‌کند .

البته دیدگاهها متفاوت است که مشهورترین آنها شرطی شدن کلاسیک یا شرطی شدن پاولوفی و یا شرطی شدن واکنشی است و دیگر نظریه شرطی شدن فعال است که بیشتر بنام اسکینر است، که ما سعی می کنیم برای نمونه اشاره کنیم. و بعد این نظریه ها را تحت عنوان الگوهای یادگیری دنبال کنیم.

حال سؤال اینجاست که چرا ما نظریه ها را تحت عنوان یادگیری دنبال کنیم؟

می گوئیم چون می خواهیم کاربرد آن را بررسی کنیم بهمین دلیل نظریه ها را تحت عنوان الگوهای یادگیری ذکر می کنیم.

پس از دیدگاه رفتارگرایان یا شرطی شدن، یادگیری یا تغییر عبارتست از ایجاد و تقویت رابطه بین

محرک و پاسخ در حالی که در نظریه شناختی برعکس است. آنها معتقدند یادگیری ناشی از

شناخت، ادراک و بصیرت است اما به هیچ وجه شناختها منکر نظریه رفتارگرایان نیستند چون هر

کدام از آنها از زاویه ای به قضیه نگاه می کنند به قول مولوی « هر کسی از دید خود شد یار من وز

درون من نجست اسرار من » بنابراین هر کس نظر خودشان را بیان می کنند.

برای نمونه از رفتارها، نظریه سورن لایت و از شناختها هم نظریه « برونر » را مطرح می کنیم و

تیتروار آنرا مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

همه شما با کاری که آقای سورن لایت با گربه یا حیوانی که در قفس بوده انجام داده. آشنا هستید

حیوان گرسنه است، و وقتی که گرسنه است به تلاش می افتد، و حرکت می کند و بطور ناخودآگاه

بر روی کفه قرار می گیرد، به محض اینکه روی کفه قرار گرفته غذا در اختیارش قرار داده می شود.

گربه، کم کم از طریق آزمایش و خطا درمی یابد که هرگاه غذا می خواهد باید روی کفه قرار بگیرد

بر همین اساس از نگاه سورن لایت و اسکینر، یادگیری چه در انسان و حیوان در اثر کوشش و خطا

ایجاد می‌شود. آنان برای تحلیل و حمایت نظری از بحث خودشان، تحقیقات آزمایشگاهی زیادی دارند و سه قانون را مطرح می‌کند.

یکی از این قوانین، قانون آمادگی است، قانون آمادگی یعنی چه؟

یعنی اینکه فرد باید به یک مرحله از رشد و دانش برسد که بتواند موضوع را بفهمد، مثلاً فردی چراغ نفتی دارد و می‌خواهد روشن کند کبریت می‌زند ولی روشن نمی‌شود. فکر می‌کند نفت ندارد و یا کبریت مشکل دارد ولی مشکل از آنها نیست با اندکی دقت متوجه می‌شود فتیله به اندازه کافی بالا کشیده نشده که شعله بتواند به آن برسد. بنابراین کار معلم در اصرار و زیدن برای آموزش دادن دانش آموزان که از نظر ظرفیت عقلی و ذهنی به آن مرحله نرسیده مثل روشن کردن چراغ نفتی است.

قانون دیگری که آقای سورون لایت در بحث مطرح می‌کند، قانون اثر است

یعنی بین محرک و پاسخ باید رابطه خوشایندی وجود داشته باشد. یعنی اگر گربه که بر روی کفه قرار گرفته بجای غذا، کتک بخورد. آیا دوباره بر روی آن کفه قرار خواهد گرفت برای گرفتن غذا؟ مسلماً خیر پس غذا، یک عامل محرک خوشایند است.

در این آزمایش و خطا وقتی رفتاری از ارگانسیم سر زد. باید این رفتار همراه باشد با یک فرایند خوشایند تا موجب تثبیت شود. این یک قانون اثر است.

سومین قانونی که آقای سورون لایت مطرح می‌کند، قانون تمرین و تکرار است

ایشان معتقد است وقتی قانون اثر یعنی رابطه بین محرک و پاسخ خوشایند شد. اگر چنین رفتاری تکرار و تمرین شود، بیشر تأثیر می‌گذارد. بنابراین در نظامهای آموزشی، فرهنگ تکلیف و تمرین دادن رایج شد ولی سؤال اینجاست که آیا هر نوع تکلیف و تمرین و یا تکراری موجب یادگیری

خواهد شد. جای تأمل دارد و حتی خود آقای سورولایت در پایان کارهایش می گوید، هر تغییر تکراری موجب یادگیری نمی شود و حتی ممکن است برخی از تمرینها موجب باز داشتن یادگیری و کندی یادگیری شود. مثل تمرینهایی که در گذشته اغلب مدارس داشتند، تمرینهای تکراری و بی-معنا و خسته کننده ای که ما در طول تحصیلات داشتیم.

در اینجا سورولایت حداقل دو ویژگی برای تمرین مطرح می کند

عامل شدت: به زبان ساده هر چه محرک در مقابل محرکی که ارائه می شود خوشایند باشد و از شدت خوشایندی بیشتری برخوردار باشد، یادگیری بیشتر خواهد بود یعنی اگر تمرینی که من انجام می دهم احساس کنم علاقه مند به این تمرین هستم، آن تمرین مؤثر است و اگر تمرین با بی میلی و با فشار انجام دهم، نتیجه بخش نیست.

عامل تازگی: هر چقدر فعالیتی که ارگانسیم بخواهد انجام دهد، تازگی داشته باشد، یادگیری بیشتر است و هر چقدر مطالب تکراری و کهنه باشد و از تازگی برخوردار نباشد آن تمرین، زیاد تمرین مؤثر نخواهد بود. بنابراین معلمان در امر تدریس و آموزش بچه ها باید به این دو امر توجه داشته باشد و اگر دو عامل شدت و تازگی در تمرین حذف شود، درس جذابیت خود را از دست می دهد اما در نگاه شناختی «برونر» بعنوان یکی از شاخصه های این نوع تئوری مطرح می باشد.

در حالیکه رفتار گراها معتقدند که محیط یک عامل بسیار مهم در امر یادگیری است. همانطوری که اسکینر اشاره کرد و می گوید با دستکاری عامل محیط می توانیم موجب یادگیری آن موجود زنده شویم اما در دیدگاه شناختیها، یادگیری را. تنها عامل محیطی نمی دانند بلکه آنرا یک عامل درونی و ذهنی رابطه و شناخت پدیده ها، بصیرت و بینش تلقی می کنند.

« برونر » در فرایند یادگیری بر چند عامل تاکید دارد

تاکید بر فرایند یادگیری: رفتار گراها به نتیجه بیشتر توجه می کنند. مثل خودمان که چی یاد گرفتیم در حالیکه شناختیها مثل برونر به فرایند بیشتر توجه دارد. مثلاً چگونگی یاد گرفتیم.

ممکن است یک دانش آموز در کلاس بیست بگیرد اما نه از طریق تجزیه و تحلیل و فهم و آزمایش

بلکه فقط از طریق تکرار محض. « برونر » می گوید: این واقعاً ارزشمند نیست. آن نتیجه‌ای

ارزشمند است که در فرایند مطلوب کسب شود و یا ممکن است محصول یک کارخانه‌ای بسیار

مرغوب باشد اما همین کالای مرغوب در اثر استثمار کارگر بوجود آمده باشد. کالایی ارزشمند

است که در یک فرایند تولید عادلانه و در محیط سالم بوجود بیاید. بهمین خاطر برونر به فرایند

بیشتر توجه می کند.

تاکید بر ساخت شناختی فرد فرد زمانی مسئله‌ای را یاد می گیرد که زمینه و پایه آن را در ذهن داشته

باشد و اگر زمینه و پایه آنرا در ذهن نداشته باشد یادگیری صورت نمی گیرد.

تاکید بر بصیرت و شهود. یعنی کشف رابطه.

انگیزش درونی:

البته « برونر » انگیزه بیرونی را رد نمی کند می گوید شما وقتی شاگرد فعالیتی را انجام می دهد پاداش

می دهید و او را تقویت می کنید ولی تا چقدر؟ بالاخره بجایی می رسید که دیگر محرکهای شما

تأثیرگذار نیست. ایشان می گوید: یادگیری اگر بر اساس انگیزه‌های درونی باشد مثل شاگردی که

پیشرفت و اعتبار را دوست دارد حتی اگر پدر و مادر توصیه کنند کمتر بخواند و کمتر کار کند ولی

او علاقمند است چون انگیزه درونی دارد.

شناختیها به محرک درونی و انگیزهای درونی بیشتر بهاء می دهند در حالیکه رفتار گراها به انگیزهای بیرونی بیشتر اهمیت می دهند. این بدان معنی نیست که رفتار گراها انگیزهای درونی را قبول ندارند یا شناختیها انگیزهای بیرونی را. بنابراین معلم خوب، معلمی است که در شرایط خاص تشخیص دهد کدام یک از محرکها را استفاده کند و تا بتواند محرکهای بیرونی را به محرکهای درونی تبدیل کند. یادگیری از راه دور: ابزار نیرومندی برای متخصصان پرتوانمند

پرتوانمندی (multiskilling) اصطلاح جدیدی در زبان انگلیسی است و بواقع آنقدر جدید است که هنوز در تازه ترین نگارش های لغتنامه های انگلیسی آکسفورد و وبستر نیامده است. من تعریف کوتاهی برای این واژه دارم: «به دست آوردن و به کار بستن مجموعه ای از مهارت های مختلف در محل کار». این واژه بسیار مورد استفاده متخصصان منابع انسانی قرار می گیرد.

در این دوران که خرید از مراکز خارجی رواج می یابد و اندازه و قطع کالاها کوچک و کوچک تر می شود و در نتیجه، بیکاری به تهدیدی جدی بدل می گردد، نیاز فزاینده و فوری ما این است که به افرادی پرتوانمند بدل شویم. خصوصاً حرفه اطلاع رسانی در بریتانیا از رکود اقتصادی و کاهش تبعی تعداد کارکنان کتابداری و اطلاع رسانی صدمه دیده است. مشاهده افرادی در کتابخانه که هر یک کار دو یا سه نفر را انجام می دهند، یا می کوشند که انجام دهند، نامعمول نیست. اکنون افراد خیلی

زود درمی یابند که از آنان انتظار می رود یک شبه مهارت هایی را - مثلاً - در مدیریت مالی، مدیریت پروژه، یا بازاریابی، علاوه بر تخصصی که در مدیریت اطلاعات دارند به دست آورند. مهندسان اجتماعی پیش بینی می کنند که در آینده ای نه چندان دور، زمانی می رسد که م در طول حیات کاری خود، چندین بار حرفه خود را تغییر می دهیم. حتی امروز نیز انعطاف پذیری در برخورد ما با کارکردهای شغلی مان برای اشتغال مداوم و مستمر، یک الزام همگانی است. آیا توانایی چشم بستن بر این گرایش را داریم، یا این که می توانیم برای حفظ شغل خود گام هایی برداریم و چه بسا

شغل های جدید و رضایتبخش دست و پا کنیم؟ چگونه می توان این کار را انجام داد؟ با پرتوانمندی؛ یعنی با تضمین این که بتوانیم به کارفرمایان - کنونی و آتی - خود نشان دهیم که دارای مهارت های مطلوب هستیم.

برنامه های مهارت آموزی و ارزشیابی علمی در بریتانیا وجهه فزاینده ای یافته است؛ در نتیجه بازار تحصیل و مهارت آموزی در بریتانیا اکنون دارای گردش سالانه ای برابر با ۳/۵ میلیون پوند است. کمیسیون اروپایی برنامه ای با نام «لئوناردو داوینچی» با هدف ترویج توسعه خط مشی ها و اقدامات مستمر شغلی ارائه کرده و بودجه ای در حدود ۶۰۰ میلیون دلار امریکایی تنها به همین برنامه که از ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ اجرا خواهد شد تخصیص داده است.

مفهوم محوری برنامه لئوناردو این است که مهارت آموزی باید جزئی همیشگی و ضروری از حیات کاری فرد باشد، و به منظور پشتیبانی از ایده نیروی کار پرتوانمند و کاملاً کیفی، سال ۱۹۹۶ «سال یادگیری مادام العمر» نامیده شده است. اکنون به مهارت آموزی یا یادگیری، بسیار بیش تر از هر زمان دیگری توجه می شود. بسته های آموزش آزاد، یا از راه دور، زیاد شده اند. در راستای اهداف این مقاله، اصطلاح «یادگیری از دور» (یعنی زمانی که دانشجوی یک موضوع یا مهارت را، بیرون از محیط کلاس درس و بدون کمک گرفتن از آموزش چهره به چهره، با استفاده از کتاب راهنما، نوار دیداری یا شنیداری، و دیگر رسانه های الکترونیکی و البته با پشتیبانی آموزش از راه دور می آموزد) مفهوم «یادگیری آزاد» (open learning) (نوعی از یادگیری که بیرون از کلاس درس انجام می شود و نوارهای دیداری و شنیداری، کتاب های خودآموز، و... را در بر می گیرد) را نیز شامل می شود.

در برنامه مطلوب مهارت آموزی، ممکن است مهارت آموزی «ضمن خدمت»، مهارت آموزی رسمی همگانی در کلاس درس، و انواع گوناگون آموزش از راه دور با هم ترکیب شوند. به نظر من هیچ نوع مهارت آموزی بهتر از آن مهارت آموزی «ضمن خدمت» که به وسیله یک متخصص داده شود نیست. اما در غیاب این نوع از آموزش، محصولات آموزش از دور می توانند جایگزین قابل قبولی به شمار آیند. اگرچه آموزش از دور راه حلی برای موانع موجود بر سر راه مهارت آموزی – موانعی همچون هزینه، غیبت کارکنان، و ... ارائه می دهد، اما معایبی نیز دارد. یادگیرنده از راه دور چه بسا که احساس انزوا کند و دلش هوای تعامل چهره به چهره با همدرسانش را کند؛ او می خواهد با جلب توجه مستقیم و شخصی معلم، اطمینان خاطر کسب کند. بعلاوه، چه بسا از نظر استفاده کننده، بسته های آموزش از راه دور موجود، قالب کاملاً مناسب نداشته باشند. بهترین بسته های آموزش از راه دور، اگر استفاده کننده مجبور باشد برای استفاده از آن بر روی نرم افزارها و سخت افزارهای جدید سرمایه گذاری کند، ارزش خود را از دست می دهند.

آموزش از دور به چند دلیل از پروفایل بسیار خوبی برخوردار است:

۱. به استفاده کننده امکان می دهد به جای غیبت از محل کار، خودش در فرصت های خاص خودش مطالعه کند. این امر البته ممکن است از نظر استفاده کننده، در مقایسه با حضور در یک دوره همگانی، یک اشکال باشد! در هر حال برای کسی که در یک بخش کوچک و کم بودجه کار می کند، برنامه آموزش از دور تنها گزینه موجود است؛
۲. استفاده کننده می تواند با سرعت خاص خود مطالعه را پی بگیرد؛
۳. دوره آموزش از راه دور باعث صرفه جویی در هزینه های سفر و اسکان می شود، و مستلزم غیبت کارکنان هم نیست – و این امر همیشه موضوع جذابی برای کارفرمایان است؛
۴. برنامه های آموزش از دور در طیفی از رسانه ها موجودند. برخی از بسته های آموزشی

مشابه در رسانه‌های مختلف عرضه می‌شوند و در نتیجه استفاده کننده می‌تواند قالبی را

انتخاب کند که بیشترین تناسب را با نیازها و منابع او دارد؛

۵. با این شیوه، آموزش در تمام دنیا دسترس پذیر می‌شود. دوره‌های بسیاری هستند که

عمده آن‌ها در حال حاضر از سوی دانشگاه‌های امریکا ارائه می‌شوند و

دوره‌های کوتاه مدت و دوره‌های مقطع دار را بر روی اینترنت عرضه می‌کنند. اگر کسی که در

بریتانیا زندگی می‌کند یقین کند که دوره خاصی از یک دانشسرا، دانشگاه یا مؤسسه

آموزشی در ایالات متحده، یا سنگاپور، یا استرالیا برایش کاملاً مناسب است، در این

صورت، فناوری موجود تمام موانع عملی را از میان بر خواهد داشت.

با این که بسته‌های آموزش از راه دور از ده‌ها سال پیش موجود بوده‌اند، همگرایی فناوری‌های جدید

رسانه‌ای، زمینه‌ساز رشد سریع دوره‌های آموزش از راه دور بر روی دیسک رایانه، دیسک فشرده

خواندنی (CD-ROM)، دیسک فشرده تعاملی (CD-I) و اینترنت شده است. ویژگی اینترنت باعث

گسترده‌گی طیف دوره‌های موجود امروز، و افزایش روزافزون تعداد ارائه‌دهندگان این آموزش‌ها

شده، و آنان از اینترنت به عنوان یک واسطه ارائه استفاده می‌کنند. دانشگاه آزاد بریتانیا که دوره‌های

آموزش از دور را از طریق رسانه‌های متفاوت ارائه می‌کند تدریجاً به این نتیجه می‌رسد که

دانشجویانش به گونه فزاینده‌ای از پست الکترونیکی برای ارتباط با استادان خود استفاده می‌کنند.

تعداد دانشجویانی که با استادان دانشگاه آزاد ارتباط برقرار می‌کنند در سال گذشته از ۵۰۰۰ ناگهان

به ۱۶۰۰۰ دانشجو افزایش یافت. میزان اتصال‌های اینترنتی در حال افزایش تصاعدی است و بنابر

یکی از پیش‌بینی‌های اخیر، می‌توان انتظار داشت که تا سال ۲۰۰۰، تعداد استفاده‌کنندگان از اینترنت

به رقمی حدود ۵۲ میلیون نفر برسد این وضع، بازار گسترده‌ای را برای ارائه‌دهندگان دوره‌های

آموزش از دور فراهم می‌آورد. بررسی‌های پیمایشی نشان می‌دهند که بخش بزرگی از

استفاده کنندگان از اینترنت (۹۱٪) از این رسانه برای یکی از انواع آموزش از راه دور استفاده کرده‌اند.

اینترنت همچنین راه مفیدی برای روزآمد کردن برنامه‌های آموزشی مربوط به دیسک‌های رایانه و دیسک‌های فشرده است، که در نتیجه به افزایش طول عمر محصول کمک می‌کند و ارزش پول را افزایش می‌دهد. مثلاً سرمایه‌گذاری اولیه در یک محصول دیسک فشرده یا مهارت‌آموزی مبتنی بر رایانه (سی‌بی‌تی) (Computer-Based Training: CBT) را، در صورتی که بتوان محتوای آن را از طریق اینترنت به سادگی روزآمد کرد، می‌توان جذاب‌تر کرد. «اسلیب» برای دوره «سی‌بی‌تی» خود با عنوان «اینترنت برای افراد کاملاً مبتدی» و برای برنامه دیسک فشرده خود با عنوان «فناوری در اداره» این رویکرد را در پیش گرفته است.

لازم است که خریداران و استفاده‌کنندگان مواد آموزش از دور به یاد داشته باشند که هر چند اینترنت از پروفایل بسیار خوبی به عنوان یک ابزار ارائه برخوردار است، مواد این دوره‌ها را از طریق رسانه‌های دیگر، مثل نسخه کاغذی، ویدئو، تلویزیون کابلی، ماهواره‌ای و معمولی، دیسک فشرده و «سی‌دی‌آی»، و حتی نوارهای صوتی نیز می‌توان به دست آورد. این نکته که محمل مندرجات دوره‌ای، یک فناوری «قدیمی» باشد، لزوماً از اعتبار آن نمی‌کاهد. معیارهایی که در این رابطه باید بدان‌ها توجه داشت عبارت‌اند از:

- ۱- دوره مورد نظر تا چه اندازه با نیازهای استفاده‌کننده همخوانی دارد؟
- ۲- آیا محمل مورد استفاده برای استفاده‌کننده کارایی دارد (به بیان دیگر، آیا استفاده‌کننده برای استفاده از بسته آموزشی، نیازمند خرید نرم‌افزار، سخت‌افزار و / یا آموزش دیگری هم هست)؟
- ۳- آیا مطالب دوره را می‌توان به سادگی روزآمد کرد؟

۴- آیا بسته آموزشی مورد نظر، نشان دهنده «ارزش» پول پرداخته شده هست؟

ارائه دهنده دوره آموزشی باید متعهد شود که نه تنها مطالب دوره را با مناسب ترین رسانه در اختیار استفاده کننده قرار دهد (که این فقط وجه تجاری قضیه است)، بلکه باید این مطالب را در قالبی آسانکار ارائه کند. هدف از این امر آن است که استفاده کننده در هنگام استفاده از مطالب آموزشی، اوقات فرح بخش و آموزنده ای داشته باشد، و نیز از بیعلاقگی و کسالت او، و در نتیجه، خودداری از ادامه آموزش جلوگیری شود.

دانشگاه آزاد که یکی از کارآموده ترین ارائه دهندگان آموزش از دور در بریتانیا است، رکورد بسیار خوبی در حفظ دانشجویان به دست آورده: میزان تکمیل دوره توسط دانشجویان به ۸۰٪ می رسد، که گواه برتری محصولات و خدمات آنهاست [۳]. برنامه آموزش آزاد «اسلیب» نیز تاکنون انصرافی نداشته، هر چند نمی توان ادعا کرد که محصولات آموزش از دور اسلیب سابقه ای به اندازه دانشگاه آزاد داشته اند.

این فناوری های نوین کمک می کنند که آموزش از دور در دسترس قرار بگیرد، و البته از قیمت آن کاسته شود. این برای کسانی از ما که چشم انتظار تمدید اشتغال - و آموزش و باز آموزش - برای چند سال دیگر هستند خبر خوبی است!

نظریه های یادگیری

تداعی گرایی (Associationism)

تداعی سنت گرایی از ارسطو فیلسوف یونانی باقی مانده است که در اواخر قرن نوزده و در اوایل قرن بیستم بصورت علمی و با عنوان های "شرطی سازی، نظریه های محرک - پاسخ و رفتار گرایی" در آزمایش های پاولف (Pavlov)، ترندایک (Thorndike) و اسکینر (Skinner) و ... مورد

مطالعه واقع شده است. این نظریات بر پیوند بین محرک‌ها و پاسخ‌ها تاکید و یادگیری را حاصل آن می‌دانند. این نظریات "شناخت، تفکر" و هر فرآیندی را که قابل مشاهده مستقیم نباشد را مردود می‌دانند.

یادگیری اجتماعی (Social Learning)

نظریه یادگیری اجتماعی شکل دیگری از نظریه‌های تداعی گرا است که در کارهای آلبرت بندورا (Albert Bandura) و جولیان راتر (Julien Rotter) دیده می‌شود. این نظریه‌ها هم بر رابطه "محرک-پاسخ" تاکید دارند ولی در کنار آن بوجود "متغیرها و عوامل شناخت درونی" واسطه بین "محرک-پاسخ" اعتقاد دارند. این کار آنها بازتاب و تقویت کننده رویکردهای شناختی در روانشناسی است.

شناخت گرایی (Cognitiveism)

تاکید "رویکرد شناختی" معمولا، بر ادراک (Perception)، تصمیم گیری (Decision making)، پردازش اطلاعات و... است این نظریه‌ها در مخالفت با "تداعی گرایی افراطی" بوجود آمدند. در واقع این نظریه‌ها به جنبه‌هایی از فرآیند یادگیری توجه کردند که در نظریه‌های تداعی گرا کنار گذاشته و حتی مردود اعلام شده بود. از نظریه پردازان این حوزه می‌توان با نظریه‌های (Gestalt)، پردازش اطلاعات و... اشاره کرد.

منابع :

۱- روانشناسی یادگیری بر بنیاد نظریه ها - محمد پارسا

www.aftab.ir

۲- سایت اطلاع رسانی آفتاب

www.irib.ir

۲- سایت اطلاع رسانی :

www.virtual-education.com

۳- سایت اطلاع رسانی :